

Britain's Superiority over France in India, the Introduction of Expanding their Actions in the Persian Gulf

Javad Mousavi dalini *

Assistant Professor of History, Shiraz University, Iran, javad_shirazu@yahoo.com

Lida Mavadat

Assistant Professor of Shahid Chamran University of Ahvaz, Iran, lidamavadat@gmail.com

Abstract

In the middle of the 18th century AH/ 12th century AH, following the series of wars in India by the navy of Britain, the position of France in India was shaken, and their organization was conquered by the British forces during the Paris Peace Treaty of 1763 AD/1177 AH. The results of the research indicate that, considering the strong position of the British East Indies in India and the suitability of the regional and global position of Britain, the British company, by creating new plans and using military and political tools, was striving to establish its position clearly in the Persian Gulf. The year 1763 AD/ 1177 AH can be considered a milestone and the beginning of the political approach to the presence of the IEC in the Gulf, in which there can be evidence of this: the shift of the commercial center of the British East Cameroon from Bandar Abbas to Bushehr and Basra (1763 AD / 1177 AD), the entrance of IEC to the battle with Ka'bah group (1765-1763 AD/ 1177- 1179 AH), the election of the representative of the East India Company as British Consulate in Basra (1763 AD / 1177 AH), and the contract of Saadoun-Price (1763 AD / 1177 AH). For historians and researchers, little attention has been paid to the issue of seven-year wars between France and England over the years (1756-1767 AD/ 1170-1177 AH), and its link with the history of Iran and the Persian Gulf. This research is organized using a library method and with reference to main sources, new studies and using scientific and analytical methods.

Keywords: British East India Company, French East India Company, India, Persian Gulf

* Corresponding author

فصل‌نامه پژوهش‌های تاریخی (علمی - پژوهشی)
معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان
سال پنجاه و چهارم، دوره جدید، سال دهم
شماره دوم (پیاپی ۳۸)، تابستان ۱۳۹۷، صص ۴۳-۶۰
تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۰۹/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۴

برتری بریتانیا بر فرانسه در هند؛ مقدمه گسترش اقدامات بریتانیا در خلیج فارس

جواد موسوی دالینی* - لیدا مودت**

چکیده

در نیمه قرن ۱۸م/۱۲ق، به دنبال بروز سلسله جنگ‌هایی در هندوستان که به واسطه سیادت نیروی دریایی بریتانیا بود، موقعیت فرانسه در هندوستان متزلزل شد و با انعقاد صلح پاریس در سال ۱۷۶۳م/۱۷۷۷ق، تشکیلات آنان به تصرف قوای بریتانیا درآمد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که باتوجه به موقعیت مستحکم کمپانی هند شرقی انگلیس در هندوستان و نیز به علت مناسب بودن موقعیت منطقه‌ای و جهانی بریتانیا، کمپانی انگلیسی با ایجاد طرح‌های جدید و با به‌کارگیری ابزارهای سیاسی و نظامی، به شکل آشکاری درصدد تثبیت موقعیت خود در خلیج فارس برآمد؛ به گونه‌ای که سال ۱۷۶۳م/۱۷۷۷ق را باید نقطه عطف و سرآغاز رویکرد سیاسی حضور ایک (E.I.C) در خلیج فارس قلمداد کرد که در این راستا، شواهدی برای آن برشمردنی است: جابه‌جایی کانون تجاری کمپانی هند شرقی انگلیس از بندرعباس به بوشهر و بصره (۱۷۶۳م/۱۷۷۷ق)، ورود ایک به نبرد با کعبی‌ها (۱۷۶۳ تا ۱۷۶۵م/۱۷۷۷ تا ۱۷۷۷ق)، انتخاب نماینده کمپانی هند شرقی انگلستان در حکم کنسول بریتانیا در بصره (۱۷۶۳م/۱۷۷۷ق) و انعقاد قرارداد سعدون پرایس (۱۷۶۳م/۱۷۷۷ق). مورخان و پژوهشگران به موضوع جنگ‌های هفت‌ساله بین فرانسه و انگلستان در طول سال‌های (۱۷۵۶ تا ۱۷۶۳م/۱۷۷۰ تا ۱۷۷۷ق) و پیوند آن با تاریخ ایران و خلیج فارس توجه اندکی کرده‌اند. این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و با شیوه توصیفی تحلیلی سامان یافته است.

واژه‌های کلیدی: کمپانی هند شرقی انگلیس، کمپانی هند شرقی فرانسه، هندوستان، خلیج فارس

* استادیار تاریخ دانشگاه شیراز، ایران (نویسنده مسؤل) javad_shirazu@yahoo.com

** استادیار تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران، lidamavadat@gmail.com

مقدمه

کمپانی هند شرقی انگلیس^۱ (England India Company) برای نظم‌دادن به مبادلات بازرگانی اتباع انگلیس در شرق، با کسب مجوز تجاری از ملکه الیزابت، در سال ۱۶۰۰م/۱۰۱۰ق ایجاد شد. این کمپانی دو دهه پس از تأسیس، خلیج فارس را از جمله مناطق نفوذ خود در کار تجارت دانست و برای آن جایگاه ویژه‌ای در نظر گرفت. تا اواسط قرن ۱۸م/۱۲ق، عملکرد کمپانی در منطقه خلیج فارس بیشتر به کسب درآمدهای افزون‌تر و تسهیل امر تجارت معطوف بود؛ به عبارتی کمپانی هند شرقی مؤسسه‌ای اقتصادی و تجاری بود که عمده فعالیت‌های خود را در مسیر تأمین منابع اقتصادی تنظیم می‌کرد. بی‌آنکه تلاش سیاسی کمپانی هند شرقی در این دوران نادیده گرفته شود، باید افزود که باتوجه به موقعیت مستحکم کمپانی در هندوستان، در دوره برتری بریتانیا بر فرانسه در سال ۱۷۶۳م/۱۱۷۷ق، ماهیت فعالیت‌های کمپانی هند شرقی در مقایسه با گذشته تحول عمده‌ای کرد؛ به گونه‌ای که در آن گرایش‌های سیاسی پررنگ‌تر از پیش به چشم می‌خورد.

تحولات سیاسی و اجتماعی مهمی که در نیمه دوم قرن ۱۸م/۱۲ق، در منطقه خلیج فارس و نواحی مجاور آن رخ داد، موجب شد کارگزاران کمپانی برای تثبیت موقعیت خود در خلیج فارس شیوه نوینی را پیش گیرند و با فعال کردن اقدامات نظامی و سیاسی خود، در صدد اعمال شیوه‌های جدید استعماری در خلیج فارس برآیند.

مسئله این پژوهش برتری بریتانیا بر فرانسه در هندوستان در قالب تغییری خارجی و تأثیر آن بر عملکرد کمپانی هند شرقی انگلیس در خلیج فارس

است. شناخت این تأثیرات در شکل‌گیری تحولات ازیکسو و بروز و ظهور ساختارهای سیاسی و اقتصادی نوین در منطقه خلیج فارس ازسوی دیگر حائز اهمیت است.

پرسش پژوهش حاضر این است که برتری انگلستان بر فرانسه طی جنگ‌های هفت‌ساله، بر عملکرد و رویکرد کمپانی هند شرقی انگلیس در خلیج فارس چه تأثیری گذاشت؟ فرضیه‌ای که در پی پرسش مطرح می‌شود این است که با برتری بریتانیا بر فرانسه در هندوستان و انعقاد صلح پاریس، این مهم بر ابعاد سیاسی، نظامی و اقتصادی خلیج فارس تأثیر عمیقی بر جای گذاشت و بر موقعیت انگلیسی‌ها در سراسر منطقه اثر بخشید؛ به گونه‌ای که از این دوره به بعد، عملکرد و ماهیت سیاسی و نظامی کمپانی هند شرقی انگلیس در خلیج فارس ملموس‌تر شد.

تاکنون آثار متعددی درباره عملکرد بریتانیا و کمپانی هند شرقی آن دولت در هندوستان و خلیج فارس به رشته تحریر درآمده است؛ از جمله خلیج فارس اثر آرنولد ویلسون (۱۳۶۶) و تاریخ اقتصادی و سیاسی خلیج فارس در عصر افشاریه و زندیه تألیف حمید اسدپور (۱۳۸۷)؛ اما در این آثار به موضوع جنگ‌های هفت‌ساله بین فرانسه و انگلستان و پیوند آن با تاریخ ایران و خلیج فارس توجهی نشده است و این موضوع چندان بررسی و ارزیابی نشده است.

در نوشتار حاضر، نگارندگان برآن‌اند که ابتدا مناسبات سیاسی و نظامی بریتانیا را با فرانسه در هندوستان و در قرن هجدهم میلادی/دوازدهم قمری تبیین و تحلیل کنند و سپس نتایج آن را در عملکرد کمپانی هند شرقی انگلیس در خلیج فارس واکاوی کنند.

مناسبات سیاسی و نظامی بریتانیا با فرانسه در هندوستان و تأثیر آن بر ایک (E.I.C)

در نیمه قرن ۱۸/۱۲ق، اقتصاد اروپا همچنان بر پایه اهمیت پول و توسعه ارضی به منظور دستیابی به ثروت و طلای بیشتر بود. حال آنکه اندیشه تجارت آزاد و صدور کالا به بازار سرزمین‌های شرقی و جذب سرمایه و ثروت این مناطق نیز اهمیت ویژه‌ای داشت؛ از این رو تسخیر سرزمین‌های بیشتر، در رأس فعالیت‌های سیاسی دولت‌های قدرتمند اروپا، از جمله فرانسه و بریتانیا، قرار داشت.

در این بین سیاست بریتانیا از موقعیت جغرافیایی سرزمین خود، در جایگاه جزیره‌ای مستقل از اروپا، تأثیر می‌پذیرفت. این خصیصه باعث شده بود تا بریتانیا طی قرون متمادی از تهاجم سایر ملت‌های اروپایی به دور بماند و با کمک نیروی دریایی قدرتمند خود، به توسعه ارضی در سرزمین‌های دیگر مشغول باشد. از آنجاکه تسلط بر اراضی اروپا ممکن نبود، بریتانیا نیز به تبعیت از سیاست اقتصادی روز متوجه آسیا و آمریکا شد و در صدد برپایی بازارهای مناسب برای توسعه تجارت و صنعت خود در سرزمین‌های آن سوی دریاها برآمد. از این رو بریتانیا به کشوری تبدیل شد که سیاست مردم آن در دفاتر تجاری آنان قرار داشت و جنگ و صلح آنان تابع افزایش یا کاهش گمرکات بود (ماله، ۱۳۶۷: ۱۹۸).

سیاست اقتصادی ذکر شده تحت حمایت سیاستمداران بریتانیا قرار داشت؛ به گونه‌ای که ویلیام پیت (William Pitt)^۲، نخست‌وزیر و لرد اول خزانه داری بریتانیا در نیمه قرن ۱۸/۱۲ق، همواره پیرو دو نظریه بود: «۱. تقویت و تحکیم بازرگانی امپراتوری مستعمراتی بریتانیا؛ ۲. برتری قدرت نظامی و دریایی آن در سطح جهان». به دیده پیت، «وقتی منافع تجاری

به مخاطره افتد... باید از آن دفاع کرد یا نابود شد» (هارولد ویلسون، ۱۳۶۶: ۱۱). استراتژی عمده او نیز تسلط بر آب‌ها و افزایش منافع بریتانیا به قیمت کاهش منافع فرانسه بود.^۳ این امر در کنار سوداگری و داشتن موضع برتر در قبال سایر کشورها برای تثبیت رأی امپراتوری، سیاست جامع بریتانیا را تشکیل می‌داد. در واقع شرکت هند شرقی بریتانیا با اهدافی همچون تجارت و گسترش آن، خاصه در مشرق‌زمین، نمونه بارز سیاست و عملکرد جهانی دولت متبوع خویش بود و هرگونه رقابت خارجی با این شرکت، رویارویی با سیاست و حکومت بریتانیا محسوب می‌شد (ماله، ۱۳۶۷: ۱۹۷). این امر در فعالیت شرکت هند شرقی فرانسه و حمایت دولت متبوع آن از اقدامات تجاری و توسعه طلبانه نمایندگان شرکت نیز محسوس بود. به این ترتیب، با وقوع برخوردهایی در اروپا و شروع جنگ هفت‌ساله (۱۷۵۶ تا ۱۷۶۳ م/ ۱۱۷۰ تا ۱۱۷۷ ق) (Seven Years Wars) میان فرانسه، اتریش، روسیه، ساکس و سوئد از یک سو و پروس و بریتانیا از سوی دیگر، صحنه وقوع این جنگ اروپا و آمریکای شمالی و هند بود. دو علت عمده این جنگ یکی رقابت مستعمراتی فرانسه و بریتانیا و دیگری کشمکش‌های ماری ترز (Marie-Therese)، ملکه اتریش، و فردریک دوم (Frederick II)، پادشاه پروس، بر سر تسلط بر آلمان بود (Redman, 2014: 59). در نهایت، این جنگ با برتری بریتانیا و پروس پایان یافت (Marston, 2001: 58). گفتنی است در طول جنگ‌های یادشده، شرکت‌های هند شرقی فرانسه و بریتانیا مهره‌های اصلی تعیین قدرت در سرزمین هند محسوب می‌شدند. در این مقطع، قرن ۱۸/۱۲ق، هندوستان با دوران اضمحلال امپراتوری گورکانیان هند روبه‌رو بود.

پوندیچری (۱۷۶۳م/۱۷۷۷ق) کمپانی انگلیسی به صورت فرمانروای مطلق هندوستان درآمد. پس از جنگ‌های هفت‌ساله، فرانسه نه تنها از مستملکات خود در هندوستان به نفع انگلستان دست کشید، بلکه لویی پانزدهم کانادا و کران‌های غربی می‌سی‌سی‌پی را نیز به انگلستان واگذار کرد (دولاندن، ۱۳۶۸: ۳۱/۲ تا ۸۷؛ Fryer, 1912: 125).

در همین راستا، مدتی پس از کاهش قدرت فرانسوی‌ها در هندوستان با تلاش نخست‌وزیر بریتانیا، جرج سوم (George III)، مجلس بریتانیا لایحه‌ای تصویب کرد که متضمن اختیارات و دخالت‌های دولت در امور کمپانی هند شرقی بود. به این شکل که عملیات، املاک و دارایی‌های کمپانی در شرق به طور غیرمستقیم در اختیار مجلس و دربار انگلستان گذارده شد و فقط امور بازرگانی زیر نظر و سرپرستی کمپانی باقی ماند. این اقدام تاریخی و بسیار حائز اهمیت بود که حضور دولت بریتانیا را به طور رسمی در حوزه اقتدار کمپانی هند شرقی گشود (گاردنر، ۱۳۸۳: ۱۹۶). علاوه بر این، پارلمان حق انتخاب فرمانفرما با همراهی چهار مستشار را که قدرت مسلط داشتند، برای کمپانی در هندوستان به دست آورد. بر این اساس مرحله نوینی در ساختار کمپانی در تاریخ بریتانیا و شرق آغاز شد.

سرآغاز رویکرد سیاسی کمپانی هند شرقی انگلیس در خلیج فارس (۱۷۶۳م/۱۷۷۷ق)

سیاست کارگزاران ایک تا سال ۱۷۶۳م/۱۷۷۷ق، بر مدارا و حالت میانه روی استوار بود. این روش از موقعیت ضعیف آنها، در مقایسه با هلندی‌ها و پرتغالی‌ها، ناشی بود. تجارت اصلی‌ترین اشتغال انگلیسی‌ها در منطقه بود. از همان آغاز، به طور عمده کارمندان

سرپیچی امرای محلی و وقوع نهضت‌های مذهبی و ملی، از جمله ماراهاها و سیک‌ها، از یک سو و مشکلات ناشی از لشکرکشی نادرشاه به این سرزمین در سال ۱۷۳۹م/۱۵۲ق از سوی دیگر، بیش از پیش ارکان رو به زوال این حکومت را متزلزل می‌کرد. این امر در حالی بود که شرکت‌های هند شرقی فرانسه و بریتانیا با ساختن کارخانه در شهرهای ساحلی مجاور مدرس و خرید شهرهایی مانند پوندیچری، بخش‌هایی حیاتی و درخور توجهی از این امپراتوری را در اختیار داشتند (نهر، ۱۳۶۶: ۶۱۸ و ۶۱۹).

در نیمه نخست قرن هجدهم میلادی، دوپلکس (Duplex) نماینده کمپانی هند شرقی فرانسه در هندوستان بود. وی فردی شجاع و زیرک بود که در رقابت و نزاع میان امرای هند وارد می‌شد؛ در نتیجه بر نفوذ فرانسویان روز به روز افزوده شد. اندکی بعد، کمپانی هند شرقی انگلیس نیز همین روش را در پیش گرفت و پس از مدتی رقیب قدرتمند کمپانی هند شرقی فرانسه در هند شد. به طور تقریبی هر زمان که در جنوب هند میان دو طرف بر سر یکجانشینی اختلافی بروز می‌کرد، انگلیسی‌ها از یک گروه و فرانسوی‌ها از گروه مقابل حمایت می‌کردند. چنان‌که ذکر شد ماجراجویان انگلیسی در هند از کمک و حمایت پارلمان و حکومت انگلستان بهره‌مند می‌شدند؛ در حالی که دوپلکس و کمپانی فرانسوی چنین مساعدتی از فرانسه دریافت نمی‌کردند (نهر، ۱۳۶۶: ۶۳۰).

سرانجام انگلیسی‌ها پس از سال‌ها مبارزه و کشمکش در نیمه قرن ۱۸م/۱۲ق، به رهبری رابرت کلایو (Robert Clive)، بر فرانسوی‌ها غلبه کردند و با شکست فرانسه از بریتانیا در آرکوت (۱۷۵۱م/۱۶۵ق)، پلاسی (۱۷۵۷م/۱۷۱ق) و

همچنین تغییر اوضاع سیاسی هندوستان عامل اساسی شکل‌گیری قدرت جدید انگلستان در منطقه و اتخاذ سیاست‌های نوین کارگزاران کمپانی به شمار می‌رفت. این‌گونه بود که پس از پیروزی کامل انگلستان در جنگ‌های هفت‌ساله، هیچ‌کدام از دول اروپایی موفق نشدند که در قالب رقبای جدی انگلستان اقدامی کنند. سیاستمداران انگلیسی با اعمال روش‌های جدید، درصدد کنترل کامل هندوستان برآمدند و کنترل آنها بر بنگال در سال ۱۷۶۴م/۱۷۸۱ق، موجب شد تا مسئولان کمپانی به تجارت منطقه‌ای با خلیج فارس علاقه‌مندتر شوند و با اطمینان بیشتری در این زمینه سرمایه‌گذاری کنند.

الف. جابه‌جایی کانون تجارت ایک از بندرعباس به بصره (۱۷۶۳م/۱۷۷۱ق)

تجارت ایک در سال‌های ۱۶۱۶ تا ۱۶۲۲م/۱۰۲۵ تا ۱۰۳۱ق، نخست در بنادر ایران مانند جاسک و بندرعباس آغاز شد. با مرگ شاه عباس اول و فعالیت هلندی‌ها، تجارت انگلیسی‌ها در بندرعباس به تدریج رو به زوال نهاد. به‌مرور، ایک به تجارت در بصره توجه کرد و در سال ۱۶۶۰م/۱۰۴۸ق، به تأسیس دفتر تجاری در بصره موفق شد؛ تا آنجا که پس از بندرعباس، بصره دومین بندر فعال منطقه به شمار می‌رفت (Kelly, 1968: 36-37).

در اواسط قرن ۱۸م/۱۲ق و با قتل نادرشاه، بندرعباس و نواحی ساحلی آن تحت نفوذ و تسلط قوای مختلفی قرار گرفت و خان‌ها و رؤسای طوایف محلی با استفاده از کشمکش قدرت جانشینان نادرشاه، بار دیگر مجال خودنمایی یافتند و برای تسلط بر بندرعباس و نواحی مجاور آن، رقابتی سخت را با یکدیگر در پیش گرفتند؛ اما با اندکی

کمپانی هند شرقی در خلیج فارس از ورود به زمینه‌های سیاسی دوری می‌کردند و تلاش خود را به تجارت مصروف می‌کردند؛ اما کمپانی به تدریج متوجه شد که دخالت در پاره‌ای از جریان‌های سیاسی برای تسهیل امر تجارت لازم و ضروری است. به همین علت درگیر شدن در جنگ‌ها، بستن قراردادهای صلح، انجام مذاکره‌های سیاسی و گرفتن امتیازها بخشی از فعالیت‌های عمده و اساسی شرکت شد. اخذ فرمان‌های متعدد از حکومت‌های ایران و عثمانی و اهمیت و تأثیری که این فرمان‌ها برای کمپانی داشت، باعث شد که در اواسط قرن ۱۸م/۱۲ق، در سیاست و منافع انگلیس در هند و خلیج فارس پیشرفتی انجام گیرد.

به نظر می‌رسد مهم‌ترین عامل تغییر سیاست کمپانی انگلیسی در خلیج فارس از روابط فرانسه و انگلیس و تضاد منافع آنها در هندوستان ناشی بود. انگلیسی‌ها هنگامی که احساس کردند فرانسوی‌ها در هندوستان منافع تجاری آنها را تهدید می‌کنند، سیاست خود را در منطقه تغییر دادند. امین می‌نویسد: «سیاست کمپانی قبل از این دوران هرگز جستجو و به‌دست آوردن کنترل سیاسی در هندوستان و یا در منطقه خلیج فارس نبود. دل‌بستگی و علاقه کمپانی تنها در اشتغال به امور تجاری بود؛ ولی هنگامی که فرانسوی‌ها سیاست‌های توسعه طلبی را در پیش گرفتند، ایک تصمیم گرفت که در ابعاد سیاسی نیز مانند ابعاد تجاری از موقعیت خود دفاع کرده و با اقدامات فرانسوی‌ها به مقابله برخیزند» (امین، ۱۳۷۰: ۴۴). به نظر می‌رسد که پیامد پیروزی کمپانی هند شرقی انگلیس بر کمپانی هند شرقی فرانسه این بود که نه تنها آنها بر فرانسه پیروز شدند، بلکه بریتانیا در مسیر برگشت‌ناپذیری قرار گرفت که نتیجه آن استقرار امپراتوری استعماری انگلستان در هندوستان بود.

فارس و ایران خارج شد و بندرعباس که از سال ۱۶۲۲م/۱۰۳۱ق، مرکز اصلی تجارت و دریانوردی ایران در خلیج فارس بود، جای خود را به کانون‌های دیگر در مناطق مرکزی و شمالی خلیج فارس واگذار کرد.

ب. رویکرد سیاسی نظامی کمپانی علیه بنی کعب

در تکمیل سیاست‌های نوین انگلستان پس از غلبه بر فرانسه در هندوستان، شاخه نظامی ناوگان شرکت هند شرقی تحرکات خود را در منطقه خلیج فارس و دریای عمان گسترش داد. براین اساس با تأسیس بخشی موسوم به دریانوردی کمپانی، بحریه جنگی شرکت تمامی فعل و انفعالات جاری را در این حوزه استراتژیک تحت نظارت دقیق خود قرار داد. از دیدگاه سیاستمداران دولت لندن، این واحد را که نیروی دریایی بمبئی هندوستان تقویت می‌کرد، عاملی قاطع در پیشبرد برنامه‌ها و دستیابی به اهداف مدنظر بود (ستاندیش، ۱۳۸۳: ۱۷۱ و ۱۷۲) که عملیات ایک علیه بنی کعب نمونه‌ای از آن است.

گفتنی است در حاشیه شمال غربی خلیج فارس و در مجاورت اروندرود، فلاحیه و شادگان قبیله بنی کعب مستقر بودند که قدرتمندترین و متمرکزترین قبایل این حوزه به شمار می‌رفتند. آنان در قرون ۱۶ و ۱۷م/۱۱۰ و ۱۱۱ق، در منطقه بین خورموسی و اروندرود، یعنی قبان، مستقر شدند. مقارن دوران موضوع بحث، کعبی‌ها به حد فاصل ناحیه دورق و رود جراحی تاخت و تاز کردند. آنان با وجود اسکان در مرزهای جنوب غربی ایران و عثمانی هیچ‌گاه به گونه‌ای مستقل تابعیت این دو حکومت را نپذیرفتند و باتوجه به مصالح خویش، گه‌گاه تحت حمایت ایران یا عثمانی قرار می‌گرفتند. همیاری آنان در اهداء

احتیاط باید گفت که صرف وجود ناامنی در بندرعباس و مناطق پیرامونی آن علت تام و کافی برای عمل انتقال و انتخاب محل دیگر نیست؛ چون ناامنی در آن مقطع به صورت فراگیر در مناطق داخلی ایران و به ویژه در سواحل خلیج فارس وجود داشت.

به نظر می‌رسد که ارائه نظرهای مختلف از سوی مقامات و مأموران کمپانی برای یافتن قلمروهای جدید در خلیج فارس عامل دیگری بود که به شکل گیری سیاست جدید از سوی کمپانی هند شرقی انگلستان در منطقه منجر شد. از این رو نخستین نشانه‌های جابه‌جایی کانون تجارتي خلیج فارس از بندرعباس به بصره در این دوره به چشم می‌خورد. این تغییر کانون تجارت و انتقال دفتر نمایندگی کمپانی‌ها را از بندرعباس به سایر مناطق، از جمله بصره در سال ۱۷۶۳م/۱۱۷۷ق، آغاز روند سیاسی شدن حضور بریتانیا در خلیج فارس می‌دانند (امین، ۱۳۷۰: ۱۰۶). از این پس کمپانی انگلیسی در حوادث منطقه نقش بسیار مهمی ایفا کرد که علت اساسی این اقدامات و ایفای نقش جدید، از منافع کمپانی در خلیج فارس و از برتری آنان بر فرانسوی‌ها در سال ۱۷۶۳م/۱۱۷۷ق ناشی بود. این اظهار نظر یا این نتیجه‌گیری از سوی مقام‌های ایک در خلیج فارس، در واقع بیان‌کننده ظهور و بروز نقطه عطف بسیار بااهمیت و سرنوشت‌سازی در تاریخ خلیج فارس، تاریخ ایران و تاریخ حضور کمپانی هند شرقی انگلیس در خلیج فارس و اقیانوس هند است. این نقطه عطف را همانا باید بروز تغییر و دگرگونی رویکرد ایک در این ناحیه دانست.

همچنین باید اشاره کرد که با انتقال دفتر نمایندگی ایک از بندرعباس به بصره، ناحیه سفلی خلیج فارس از چرخه تجارت و دریانوردی خلیج

به همین علت درگیر شدن در جنگ‌ها، بستن قراردادهای صلح، انجام مذاکره‌های سیاسی و گرفتن امتیازها بخشی از فعالیت‌های عمده و اساسی شرکت شد.

نخستین نشانه‌های گرایش سیاسی کمپانی هند شرقی در خلیج فارس در اواسط قرن ۱۸م/۱۲ق و انتقال دفتر نمایندگی از بندرعباس به بصره بود. این اقدام با اعمال فشار کمپانی به پاشای بغداد و ناگزیر کردن وی به پذیرش حق مصونیت سیاسی نماینده مقیم کمپانی در بصره و برخوردار شدن نمایندگان دفتر تجاری کمپانی از امتیازهای سفرا و نمایندگان سیاسی توأم شد.

در مقطع ذکرشده، کمپانی هند شرقی ضمن اشتغال به فعالیت‌های تجاری، در واقع از مؤسسه تجاری صرف به سازمان سیاسی قدرتمندی تغییر ماهیت داد که سرنوشت قسمت اعظم شبه‌قاره هند را در اختیار داشت. این مهم در روش و رفتار کارگزاران شرکت در شرق تأثیری عمیق نهاد و باعث بلندپروازی آنان شد.

سیاست کارگزاران ایک در بصره نیز از چنین حالتی ناشی بود. از این رو به محض اینکه عامل شرکت در بصره استقرار یافت، برای کسب امتیازات جدید که متضمن نفوذ سیاسی و تجاری شرکت در این بندر باشد، کوشش خود را آغاز کرد و از سلطان عثمانی خواست که نماینده شرکت را در جایگاه کنسول انگلیس در بصره به رسمیت بشناسد. در حالی که پیش از این عامل شرکت در منطقه خلیج فارس به جز کارگزار کمپانی هند شرقی، هیچ عنوانی نداشت. همچنین درخواست کرد که بندر بصره در حکم بندری، مشمول امتیازات مصونیت کنسولی شود؛ زیرا با اینکه مرکز دائمی کمپانی هند شرقی در

کشتی به حکومت ایران در دوران لشکرکشی نیروهای نادرشاه به بصره، از این امر نشئت می‌گرفت (کسروی، ۱۳۶۲: ۱۲۹ تا ۱۴۹).

عملکرد ایک علیه کعبی‌ها حادثه بسیار مهمی در تاریخ بریتانیا در خلیج فارس بود. در این زمان، تجارت در بصره در اوج شکوفایی قرار داشت؛ اما افزایش قدرت بنی‌کعب پس از سال ۱۷۶۳م/۱۱۷۷ق، تهدیدی جدی به حساب می‌آمد. در سال‌های ۱۷۶۱ تا ۱۷۶۵م/۱۱۷۵ تا ۱۱۷۹ق، کمپانی هند شرقی انگلیس طی سه بار لشکرکشی ترک‌ها برای مقابله با کعبی‌ها، از بصره به یاری عثمانی شتافت (Lorimer, 1915: 1217-1219). در همین راستا در ژانویه ۱۷۶۷م/۱۱۸۱ق، ترک‌ها موافقت‌نامه‌ای با کمپانی امضا کردند که در ازای ادامه پرداخت ماهانه یک هزار تومان به کمپانی، تا زمانی که جنگ میان آنها و بنی‌کعب ادامه دارد، ایک از بصره حمایت و حفاظت کند (العامر، ۱۹۹۰: ۳۷).

این امر به ازدیاد نفوذ کمپانی هند شرقی انگلیس در خلیج فارس منجر شد. این رویکرد ایک علت دیگری بر افزایش منافع کمپانی هند شرقی در خلیج فارس و آمادگی آن در راستای انجام اقدامات سیاسی و نظامی، برای حمایت از تجارت کمپانی پس از برتری بر فرانسه در هندوستان بود (Lorimer, 1915: 1226).

ج. انتخاب نماینده کمپانی در جایگاه کنسول انگلستان در بصره (۱۷۶۳م/۱۱۷۷ق)

چنان‌که در صفحات پیش اشاره شد، انگلیسی‌ها در آغاز به علت اهداف تجاری به خلیج فارس آمدند؛ ولی به تدریج دریافتند که اگر در مسائل سیاسی و نظامی وارد شوند، بهتر به اهداف تجاری خود دست می‌یابند.

انگلستان نیز به شمار می‌رفت. این امر تقویت موضع عامل شرکت و ازدیاد اعتبار وی در نظر مقامات عثمانی در ولایت بغداد را باعث می‌شد؛ در نتیجه، این امر خود تشدید نفوذ هند انگلستان در این ولایت را موجب می‌شد که از جمله نمونه‌های آن دخالت کارگزاران کمپانی هند شرقی در انتخاب والی بغداد در سال ۱۷۶۴م/۱۱۷۸ق و کوشش ایک برای تغییر مسیر تجارت بغداد صحرای بادیه‌الشم بود؛ زیرا ایک از این طریق در صدد بود کمپانی لوانت (Levant) را که در آنجا منافع حیاتی داشت، تحت فشار قرار دهد (Lorimer, 1915: 350).

گفتنی است، دامنه ایفای این نقش سیاسی تا بدان حد بود که نماینده بصره بر ایران پهناور آن دوران نیز تسلط و اشراف داشت. نماینده کمپانی در بصره با اعزام نماینده‌ای به ایران، بر معاملات تجاری با ایران عهد زنده تاثیر می‌گذاشت. با توجه به این سیاست کمپانی، تجارت ایران پس از نادرشاه که یک دهه پیش هندوستان را فتح کرده بود، در عمل تحت اشراف کمپانی تجاری انگلیس قرار گرفت؛ به گونه‌ای که تجارت ایران تابع یکی از ایالت‌های عثمانی شد.

از سوی دیگر، کریم‌خان نیز با توجه به نقش ممتازی که برای کمپانی انگلیس قائل بود و این نقش را در کمپانی‌های فرانسه و هلند نمی‌دید، در جایگاه حاکم ایران پس از نادر، ناچار شد که برنامه‌ها و تدبیرها و تصمیم‌های خود را با نماینده کمپانی در شیراز که زیر نظر نماینده کمپانی در بصره بود، در میان گذارد و منتظر پاسخ مثبت یا منفی آنها بماند. کریم‌خان گاه ناچار می‌شد از کلانتر سرکیس، رهبر ارامنه که در شیراز مستقر بود، بخواهد باب مکاتبه و مراوده با نماینده کمپانی را گشاده نگهدارد

بصره از سال‌ها پیش تأسیس شده بود، بندر مذکور تا آن زمان به‌طور رسمی مشمول این حق شناخته نشده بود (Saldanha, 1986: 180-181).

نماینده شرکت این تقاضاها را توسط هنری گرینویل (Henry Grenville)، سفیر انگلیس در قسطنطنیه، به سلطان عثمانی تقدیم کرد. پس از مذاکره‌های طولانی، سفیر انگلیس به اخذ حق مصونیت کنسولی از سلطان عثمانی توفیق یافت. در ضمن به موجب این امتیاز، عامل کمپانی هند شرقی در جایگاه کنسول انگلیس در بصره به رسمیت شناخته شد (العامر، ۱۹۹۰: ۳۱).

گرینویل در نامه‌ای به الوین رینچ (Elwin Wrench)، نماینده ایک در بصره، در خلال اشاره به تلاش‌های خود برای افتتاح نمایندگی و کنسولگری بریتانیا در بندر مذکور که از نظر او برای کمپانی هند شرقی انگلیس اهمیت فوق‌العاده‌ای به همراه داشت، چنین می‌نویسد: «اهمیت و مزیت برات کنسولی واضح و آشکار است، حصول این برات مورد تردید بسیار بود، نه تنها به علت ناسازگاری و مخالفت با این موضوع در بندر، بلکه به این دلیل که این به تنهایی امتیاز جدیدی است که هرگز قبل از این توسط ما در بصره به دست نیامده و بدعت تازه‌ای از [این] لحاظ می‌باشد. به علاوه، من در هر حال می‌خواهم یک بار دیگر به شما به خاطر آن تبریک بگویم، به این امید که کمپانی هند شرقی انگلیس از ثمرات موفقیت‌م در از مدت منتفع شود» (Letter From Grenville to Elwin Wrench, September: 1764).

این مهم اهمیت سیاسی خاصی داشت؛ زیرا برای نخستین بار عامل کمپانی هند شرقی علاوه بر اینکه نماینده شرکت در خلیج فارس بود، نماینده حکومت

و نظرهای او را به آنها انتقال دهد (رجائی، ۱۳۹۰: ۴۸۳)

بی شک اگر در این دوران، حکومت هند انگلیس این تدبیر صحیح را برمی‌گزید که با حکومت ایران تعامل مفید و سازنده‌ای داشته باشد، هرگز این رویه اشتباه را پیش نمی‌گرفت که از لندن و از طریق یک کمپانی تجاری آن هم با سه واسطه بمبئی و بصره و بوشهر با کریم‌خان، حاکم بلامنازع ایران، ارتباط برقرار کند. این درحالی بود که کمپانی در حکومت عثمانی سفیر تام‌الاختیاری را تعیین کرده بود تا در مواقعی که نماینده کمپانی در بصره برای بعضی مسائل و مشکلات به کارگشایی و وساطت نیاز داشت، با قدرت تمام وارد شود و مسائل را به نفع کمپانی و دولت خویش حل و فصل کند (رجائی، ۱۳۹۰: ۴۸۳).

د. افزایش قدرت سیاسی اقتصادی کمپانی هند شرقی انگلیس با افول هلندی‌ها در خلیج فارس (۱۷۶۳ تا ۱۷۷۰ م/ ۱۱۷۷ تا ۱۱۷۹ ق)

با قتل نادرشاه اوضاعی به وجود آمد که منابع هلندی از آن با عنوان دوران فترت و هرج و مرج یاد می‌کنند (فلور، ۱۳۶۸: ۱۲). در این اوضاع که حکام محلی بنادر و جزیره‌های خلیج فارس به قدرت رسیدند، سرنوشت واک به عملکرد و سیاست‌های حکام محلی بنادر و جزایر خلیج فارس پیوند خورد.

شایان ذکر است که شرکت هند شرقی انگلیس (ایک)، مهم‌ترین رقیب کمپانی هند شرقی هلند (واک) در خلیج فارس و از جمله در خارک بود. انگلیسی‌ها از همان ابتدا با فعالیت هلندی‌ها در خارک به مقابله برخاستند و بوشهر را در مقابل خارک علم کردند (Lorimer, 1915: 150؛ فقیه، ۱۳۸۳: ۱۰۶ و ۱۰۷). به این ترتیب علاوه بر این رقیب سرسخت اروپایی که سود و زیان اقتصادی و منافع استعماری اساس

مخالفت و رقابتش را تشکیل می‌داد، پاشای بغداد و متسلم بصره که تقویت خارک را موجب ضعف خود می‌دانستند، از هیچ کوششی برای ناکارآمدی واک خودداری نکردند (فلور، ۱۳۷۱: ۱۶۲).

کمپانی هند شرقی هلند نیز که به اوج عملیات تجاری و شبه‌استعماری در خلیج فارس رسیده بود، در سال‌های ۱۷۶۳ تا ۱۷۶۵ م/ ۱۱۷۷ تا ۱۱۷۹ ق، موقعیت مناسبی نداشت. سرانجام واک در اثر ضربه‌های پی در پی دشمنان به‌ویژه با اقدام میرمهنا و سنگ‌اندازی و دسیسه‌چینی رقیب قدرتمند خود، یعنی ایک، پس از حضور یک صد و چهل و چهار ساله در خلیج فارس در سال ۱۷۶۵ م/ ۱۱۷۹ ق، از جزیره خارک بیرون رانده شد. صاحب گیتی‌گشا می‌نویسد: «هلندی‌ها، خاک مذلت بر سر و آب حسرت در دیده و آتش غم در دل داشتند» (موسوی‌نامی، ۱۳۶۳: ۱۶۴).

اما آنچه بر این ناتوانی می‌افزود اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران در مقطعی از تاریخ فعالیت واک بود که از قضا روزگار جان‌کندن آنها را تشکیل می‌داد. با خروج فرانسه از هندوستان در سال ۱۷۶۳ م/ ۱۱۷۷ ق و اخراج هلند از خلیج فارس در سال ۱۷۶۵ م/ ۱۱۷۹ ق، کمپانی هند شرقی انگلیس که خود را بدون رقیب احساس می‌کرد، به دنبال اتخاذ سیاست‌های جدید، در صدد تثبیت قدرت خود در منطقه برآمد. به این گونه از آن تاریخ به بعد، بریتانیا در هیئت کارگزاران تجاری به قدرت بلامنازع خلیج فارس تبدیل شد.

ه. قرارداد سعدون پرایس (۱۷۶۳ م/ ۱۱۷۷ ق)

همان‌طور که در سطرهای پیش ذکر شد، در موقعیتی که اوضاع بندرعباس به سمتی گرایش پیدا کرد که کارگزاران کشورهای اروپایی به فکر جایگزین

پیش حضور یافته بودند و با استقرار انگلیسی‌ها در این جزیره مخالفت کردند. حاکم بندرریگ نیز در برابر فعالیت بازرگانی اروپایی‌ها نظر مساعدی داشت و از آنها دعوت کرد تا در سرزمین وی مستقر شوند و فعالیت کنند؛ اما با تغییرات ناگهانی که در حکومت بندرریگ به وقوع پیوست، روال پیش ادامه نیافت و نمایندگان یک آنجا را ترک کردند. در ضمن، تلاش یک برای ایجاد تجارتخانه‌ای در بندرریگ با شکست مواجه شد (برومند، ۱۳۸۱: ۵۰).

انگلیسی‌ها در انتقال مرکز خود به رأس شمالی خلیج فارس در اولین اقدام با ناکامی شدیدی روبه‌رو شدند؛ اما با توجه اوضاع به وجود آمده، ضرورت داشت که کمپانی انگلیسی به این امر حیاتی جامه عمل بپوشاند.

همان‌طور که ذکر شد، در این مرحله بصره در حکم کانون تجارت یک در خلیج فارس انتخاب شد. پس از این اقدام بود که برای فعالیت‌های بازرگانی و استقرار نمایندگی کمپانی، بوشهر و سواحل آن به‌طور جدی مطرح شد. با بررسی‌هایی که کارگزاران کمپانی در سواحل ایران کردند، بوشهر را بهترین نقطه برای تجارت با مناطق داخلی کشور تشخیص دادند.

علاوه بر مجموع مباحث پیشین که در حکم زمینه‌ها و عوامل گرایش به بوشهر مطرح شد، علت‌هایی نیز باعث شد تا بوشهر در عمل محل فعالیت کمپانی شود که از جمله آنها موقعیت مناسب بوشهر بود. بندر بوشهر چون در مسیر تجاری قرار داشت که از هند شروع می‌شد و با عبور از اقیانوس هند، خلیج فارس، بصره، دمشق و دریای مدیترانه به نواحی داخلی اروپا منتهی می‌شد، در تجارت بین‌المللی و ترانزیت کالا اهمیت بسزایی داشت (گرمون، ۱۳۷۸: ۲۴).

بندر بوشهر به علت آنکه به بصره نزدیک بود، در

برای آن و دائرکردن دفاتر خود در شهر بندری دیگری بودند، بوشهر از جمله مراکزی بود که توجه نمایندگان تجاری را به حضور در آنجا جلب کرد (پری، ۱۳۶۵: ۲۲۴). عامل دیگری که در این زمینه اهمیت دارد، رقابتی بود که در خلیج فارس بین دولت‌های حاضر نظیر هلندی‌ها، انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها وجود داشت (فلور، ۱۳۷۱: ۱۳۰).

باید به این نکته اشاره کرد که کارگزاران هلندی پیش‌تر از نمایندگان انگلیس در قسمت شمالی خلیج فارس کار را آغاز کرده بودند. هلندی‌ها در سال ۱۷۵۴م/۱۶۸۱ق، در جزیره خارک مستقر شده بودند و با جدیت تمام به کارهای بازرگانی مشغول شده بودند. انگلیسی‌ها به شدت بیمناک بودند که در فضای جدید ایجادشده، هلندی‌ها اختیار را به دست گیرند و با قدرت مرکزی ایران نیز به توافق برسند و در نهایت، عرصه را بر فعالیت نمایندگان کمپانی انگلیس تنگ کنند.

علاوه بر رقابت با هلندی‌ها، یک در نظر داشت با حضور در رأس شمالی خلیج فارس، با فرانسوی‌ها و کمپانی لوانت در بصره بهتر رقابت کند؛ زیرا فرانسوی‌ها شروع به پیشروی در بازار پشم منطقه کرده بودند (پری، ۱۳۶۵: ۳۴۹). در چنین اوضاعی بود که آنها متوجه شدند نباید از رقیب خود عقب بیفتند و در فضای جدید ایجادشده، میدان را خالی کنند. بنابراین با توجه به آنچه مطرح شد، مقامات کمپانی به این نتیجه رسیدند که تغییر و انتخاب پایگاه دیگری، جز بندرعباس، ضرورت دارد و به‌صورت جدی در جستجوی انتخاب محل دیگری، در رأس شمالی خلیج فارس، برآمدند.

در ابتدا جزیره خارک و بندرریگ در کانون توجه انگلیسی‌ها قرار گرفت؛ ولی در خارک هلندی‌ها از

پیشقدم شدن برای برقراری مناسبات، اعطا معافیت گمرکی به تجار انگلیسی، امکان پرداختن به امور تجاری گوناگون و نقش بوشهر در جایگاه محل اتصال تمامی جاده‌های ایران و امنیت آن باخبر کرد (Saldanha, 1986: 153).

سرانجام به دنبال بررسی مقامات حکومت بمبئی و با دریافت دومین نامه از شیخ بوشهر^۵ (Public Department Diary, No.38, 2th february 1762. Bombay Castle) مقدمات انعقاد نخستین موافقت نامه بین شیخ بوشهر و نماینده شرکت هند شرقی فراهم شد.

هنگامی که در سال ۱۷۶۳م / ۱۱۷۷ق، پرایس (Price) به بوشهر رسید در غیاب شیخ ناصر، حاکم بوشهر، با برادر وی، شیخ سعدون، وارد مذاکره و گفت‌وگو شد (Bushire Diary, 20th, 22th April 1763, Bombay Castle). سرانجام پس از مذاکراتی که صورت گرفت، پرایس با نایب حاکم بوشهر توافق نامه‌ای امضا کرد که با توجه به موقعیت تجاری بوشهر، اجرای آن با کل تجارت ایران ارتباط پیدا کرد. از آنجا که قرارداد مذکور ابتدا در سال ۱۷۶۳م / ۱۱۷۷ق، بین پرایس و سعدون در بوشهر تنظیم و منعقد شد، به نام دو عاقد آن سعدون پرایس نام گذاری شد. به دنبال آن، مدتی بعد نخستین نماینده مقیم بوشهر نیز تعیین شد (Bushire Diary, 20th April 1763, Bombay Castle). از این پس، تمایل به برقراری و حفظ مراودات تجاری و امکان برخورداری از حمایت شیخ بوشهر، همواره از موضوعات بحث در مراسلات کارگزاران شرکت هند شرقی در بمبئی، بوشهر و بصره بود (Saldanha, 1986: 167-169).

طولی نکشید که مقدمات برقراری ارتباط نماینده یک با کریم خان فراهم شد. روابط بین کریم خان زند

مقایسه با بندرعباس، مزیتی نسبی داشت. در ضمن، کمپانی‌های غربی همواره به صورت جدی در پی این مسئله بودند تا بازار ایران را از دست ندهند و با انتخاب بوشهر بر بازار ایران، چه برای صادرات و چه برای واردات، دسترسی پیدا کنند (پری، ۱۳۶۵): ۱۷۶ و ۱۷۹؛ زیرا مسیرهایی وجود داشت که بوشهر را به داخل کشور مرتبط می‌کرد و از این رو بوشهر در مقایسه با بصره، مزیت و فرصت بهتری داشت؛ زیرا بوشهر در مسیر شاهراه تجاری خلیج فارس بود و با بازار پروتوق ایران پیوند و ارتباط نزدیک داشت. این در حالی بود که بصره با بازار ایران ارتباط پایداری نداشت.

نزدیکی و هم‌جواری با ایالت فارس از دیگر مزیت‌های بندر بوشهر بود که در گرایش به سمت آن مؤثر بود. فارس ایالتی ثروتمند و غنی با جمعیت فراوان بود. به ویژه در دوره کریم خان، این ایالت و به خصوص شیراز رونق فراوانی پیدا کرد (موسوی نامی، ۱۳۶۳: ۱۵۵). در ضمن، دولت‌های خارجی نیز از پیش دفتری در شیراز داشتند که به شناخت آنها از اوضاع اقتصادی آنجا کمک می‌کرد. بنابراین در زمینه تأمین، توزیع و مبادله کالا و اجناس بندر بوشهر این استعداد را داشت که نقش واسطه‌ای ایفا کند؛ پس همجواری بوشهر با شیراز، مرکز جدید قدرت سیاسی در ایران، باعث شده بود تا این بندر برای تجارت گزینه مطلوبی باشد.

آمادگی شیخ ناصر برای برپایی شعبه‌ای از کمپانی در بوشهر، عامل مهم دیگری بود که باید در نظر گرفت (Lorimer, 1915: 94-95 Saldanha, 1986: 151-152). داگلاس (Douglas)، نماینده کمپانی در بندرعباس، با ارسال نامه شیخ بوشهر در سال ۱۷۶۱م / ۱۱۷۵ق که خطاب به حاکم بمبئی نوشته شده بود، حکومت متبوع خویش را از پیشنهادهای شیخ مبنی بر

دشمنان پادشاه ایران مساعدت کنند؛ زیرا خان زند تلاش می‌کرد با این روش از دخالت انگلیسی‌ها در امور داخلی ایران جلوگیری کند.

پس از انعقاد قرارداد، علاوه بر کمپانی هند شرقی، دیگر تجار انگلیسی که به صورت انفرادی یا جمعی با ایران تجارت می‌کردند، خود را از پرداخت عوارض و مالیات به دولت زند معاف دانستند و تلاش کردند که از این امتیاز به سود خویش بهره جویند. مقرر شده بود که کمپانی کالاهای دیگران را جز متاع خویش قلمداد نکند؛ اما تجار انگلیسی که به کمپانی وابستگی نداشتند، از این قرارداد به نفع خود بهره‌برداری می‌کردند. این امتیاز، تجار انگلیسی را در مقایسه با تجار ایرانی در موقعیت بهتری قرار می‌داد؛ زیرا بازرگانان ایرانی مجبور بودند که عوارض و مالیاتی به دولت زند پرداخت کنند که گاه میزان آن به پنجاه درصد قیمت کالا می‌رسید (امین، ۱۳۷۰: ۹۴). به همین علت، کالاهایی که تجار انگلیسی به ایران وارد می‌کردند، بسیار ارزان‌تر از کالاهایی بود که تجار ایرانی به کشور وارد می‌کردند و در عمل، تجار ایرانی قادر نبودند با تاجران انگلیسی رقابت کنند و بازار واردات و صادرات به دست بازرگانان انگلیسی وابسته به کمپانی هند شرقی و دیگر تجار انگلیسی می‌افتاد. از سوی دیگر، معافیت گمرکی بازرگانان انگلیسی که کاهش عایدات حکام محلی را موجب شده بود، بروز اختلاف میان این حکام و دولت زندیه را باعث می‌شد. در مجموع، کمپانی هند شرقی انگلیس از قرارداد با دولت زند اهدافی را دنبال می‌کرد؛ از جمله:

۱. داشتن پایگاهی در سواحل ایران برای ادامه مؤثر فعالیت تجاری خود در منطقه؛
۲. رهایی از پرداخت عوارض گمرکی؛ این

و انگلیسی‌ها بسیار با اهمیت است؛ زیرا بر تمام ابعاد امور خلیج فارس تأثیر عمیق بر جای گذاشت و بر موقعیت انگلیسی‌ها در سراسر منطقه اثر گذاشت (ویلسون، ۱۳۶۶: ۲۰۹). از خصوصیات مناسبات این دوران باید به منافع موجود و نیاز متقابل به توانایی‌های دو طرف اشاره کرد.

در یک نگاه مشخص می‌شود که مواد قرارداد به سود کمپانی هند شرقی انگلیس تنظیم شد و امتیازات مدنظر کمپانی کسب شد. در این قرارداد اجازۀ تأسیس تجارت‌خانه در سواحل خلیج فارس و به کارگیری توپ برای دفاع از آنجا، معافیت از پرداخت حقوق گمرکی درباره کالاهایی که به ایران وارد یا خارج می‌شد، انحصار واردات پارچه‌های پشمی به ایران برای کمپانی، آزادی خرید و فروش هر نوع کالا در ایران، انجام هر نوع معامله با کشتی‌های انگلیسی از سوی تجار ایرانی با اطلاع و رضایت نماینده مقیم کمپانی، آزادی در انجام مراسم مذهبی، تسلیم افراد فراری وابسته به کمپانی و معافیت کارکنان کمپانی از پرداخت مالیات و عوارض گمرکی امتیازاتی بودند که به کمپانی انگلیسی اعطا شد.

به فرمان کریم‌خان، قسمتی به قرارداد افزوده شد و اگر آن قسمت نبود، قرارداد به صورت یک طرفه به سود کمپانی هند شرقی بود. کریم‌خان که به فراست دریافته بود که خروج پول، به صورت طلا و نقره، به فقر ایران منتهی خواهد شد، تأکید کرد که تجار انگلیسی نباید تمام وجوه مال‌التجاره خود را که در ایران به فروش می‌رسانند، به خارج حمل کنند. این اقدام کریم‌خان در الزام کمپانی به خرید کالا از ایران، در رونق تولیدات داخلی و صادرات به خارج مؤثر واقع می‌شد. وکیل که تاحدی به سیاست کمپانی انگلیسی پی برده بود، تأکید کرد که آنان نباید به

خارک، در تجارت کمپانی هند شرقی انگلیس در بصره اختلال ایجاد کنند. بنابراین انگلیسی‌ها نیازمند پایگاهی در ایران بودند و از این لحاظ، بوشهر جای مناسبی بود.

۷. لزوم همکاری انگلیسی‌ها و ایرانی‌ها برای ایجاد امنیت و رونق تجارت در خلیج فارس. انگلیسی‌ها به خوبی می‌دانستند که در صورت دشمنی دولت ایران، تجارت و منافع آنان در خلیج فارس به‌طور جدی تهدید خواهد شد و در برقراری امنیت در خلیج فارس و تسهیل در امر تجارت، همکاری این دو ضروری می‌نمود. انگلیسی‌ها با بستن قرارداد ۱۷۶۳م/۱۷۷۱ق، در دوستی با ایران برای رسیدن به این هدف تلاش کردند.

۸. لزوم ایفای نقشی مؤثرتر در خلیج فارس؛ انگلستان پس از غلبه بر فرانسه در جنگ‌های هفت‌ساله و کنارزدن رقبا در هند، صاحب موقعیت بهتری شد. با تثبیت موقعیت کمپانی هند شرقی انگلیس در هندوستان، این کمپانی بخشی از نیرو و امکانات خود را برای ایفای نقشی مؤثرتر در خلیج فارس و دفاع از منافع تجاری خود به کار می‌گرفت.

به طوری که به نقل از پژوهشگری، این توافق‌نامه بهترین امتیازی بود که کمپانی از زمان فعالیت خود در ایران تا آن زمان به دست آورده بود^۶ که پرایس نیز در گزارش خود، از آن با عنوان حاکمیت تمام‌عیار ملت انگلستان در خلیج فارس یاد می‌کند (امین، ۱۳۷۰، ۱۱۵). این عبارت البته مبالغه‌آمیز نبود؛ زیرا کمپانی با تأیید کریم‌خان علاوه بر حق انحصار ورود پارچه‌های پشمی به ایران، این اجازه را داشت در صورتی که افرادی را در حال تخطی از این ماده ببیند، آنها را بازداشت کند و اموالشان را به نفع خود توقیف کند. نماینده کمپانی در مذاکره با خان زند به این امتیاز دست یافت که به جز دفتر تجاری کمپانی

معافیت‌های گمرکی موجب می‌شد کالاهایی را که کمپانی انگلیسی از ایران خارج یا وارد می‌کردند، ارزان‌تر از کالاهایی باشد که تجار دیگر به ایران وارد یا خارج می‌کردند.

۳. انحصار تجارت پارچه‌های پشمی با ایران؛ همان‌طور که در بخش چارچوب نظری اشاره شد، انحصارطلبی دولت‌های سوداگر از ابزار و شاخصه‌های آنان بود. در قرارداد مذکور، نتیجه این انحصار از میدان خارج کردن رقبای انگلستان، بسط نفوذ انگلیسی‌ها در ایران و قبضه کردن بازار ایران بود. از قضا این ماده یکی از بندهای مهم آن قرارداد بود که تا آن زمان، هیچ کمپانی دیگری به آن دست نیافته بود. گفتنی است، واک کالاهای پشمی خود را با قیمتی ارزان‌تر به تجار می‌فروخت و در برخورد با تجار ایرانی حساست تجار انگلیسی را نداشت. بنابراین کمپانی انگلیس از خطر رقابت کمپانی هلند به شدت نگران بود.

۴. جلب حمایت و مساعدت دولت زند در پرداخت مطالبات کمپانی هند شرقی انگلیس و بازگرداندن فراریان؛

۵. تأمین امنیت تجارت‌خانه کمپانی هند شرقی انگلیس؛ نمایندگی کمپانی انگلیس در بندرعباس در برابر تهاجم فرانسویان آسیب‌پذیر نشان داد و دفتر نمایندگی کمپانی در بندرریگ را میرمهنا ویران کرد؛ اما در بوشهر انگلیسی‌ها دارای توان دفاعی بودند؛ زیرا اجازه نگهداری توپ به آنان داده شده بود.

۶. مقابله با رقبای کمپانی هند شرقی انگلیس به‌ویژه هلندی‌ها؛ در اوضاعی که کمپانی انگلیسی، بندرعباس را ترک کرد و در بصره مستقر شد، هلندی‌ها جزیره خارک را در اختیار داشتند و امکان داشتند که با ایران ارتباط تجاری داشته باشند. از سوی دیگر آنان این امکان را داشتند که با استفاده از موقعیت جزیره

فارس مانع شد؛ زیرا برنامه‌های ایک در مقایسه با دوره نادرشاه خطرناک‌تر و پیچیده‌تر شده بود.

قرارداد ۱۷۶۳م/۱۱۷۷ق، حاکی از این بود که ایک دیگر کمپانی تجاری نیست که فقط به دنبال تجارت و اهداف تجاری باشد؛ بلکه آنان آماده می شدند تا وظایف تازه‌ای را در خلیج فارس بر عهده بگیرند و نقش‌های جدید ایفا کنند. خان زند در قرارداد مذکور انحصار تجارت در ایران و به خصوص تجارت پشم در تمام بنادر ایران را به ایک واگذار کرد (Cambridge History of Iran, 1991, vol 7: 362) و امیدوار بود که بابت آن، مساعدت انگلیسی‌ها را در راستای تحقق اهداف خود و کنترل هرچه بیشتر بر خلیج فارس دریافت کند؛ اما اوضاع و تحولات نشان داد که ایک مایل به همکاری جدی نیست و بنابراین در سال ۱۷۶۹م/۱۱۸۲ق، با لغو قرارداد ازسوی کریم خان زند، انگلیسی‌ها از بوشهر خارج شدند (رائین، ۱۳۵۶: ۶۷۲). این اقدام از درک کریم خان از هدف واقعی انگلیسی‌ها و همکاری نکردن آنها با حکومت زند حکایت می‌کند.

نتیجه

در نیمه دوم قرن ۱۸م/۱۲ق، سیاست نمایندگی شرکت هند شرقی بریتانیا در خلیج فارس از عملکرد دولت متبوع خود در اروپا و هندوستان تأثیر می پذیرفت. با وجود بعد مسافت، از نظر تعیین موقعیت و منزلت بریتانیا در سیاست جهانی، این دو عامل تعیین کننده در مسیری قرار داشتند که مقصد نهایی آن سیادت و برتری اقتصادی دولت بریتانیا در جهان آن روزگار بود.

با خروج نیروی کمپانی هند شرقی فرانسه از هندوستان و دسترسی ایک به منابع انبوه ثروت در

هند شرقی انگلیس، هیچ دفتر تجاری خارجی دیگری در بوشهر فعالیت نداشته باشد. در پاسخ باید گفت که چون دولت زند به علت نداشتن نیروی دریایی، به اعمال سلطه در سواحل جنوبی و جزایر ایرانی خلیج فارس قادر نبود، هدف کریم خان از اعطای این امتیازات به کمپانی این بود که برای رفع این مشکل، با قدرت‌های خارجی حاضر در خلیج فارس ارتباط برقرار کند و با آنها همکاری کند. بنابراین خان زند تلاش کرد که ارتباط و همکاری آنها از طریق دولت زند صورت گیرد؛ زیرا اقدام خودسرانه برخی حکام در کرانه‌های جنوبی ایران، در دعوت بیگانگان به تجارت و استقرار در خاک ایران، به منزله اعلام استقلال و اطاعت نکردن از دولت مرکزی ایران بود. در صورت دخالت نکردن دولت زندیه در چنین قراردادهایی، کریم خان این امکان را نداشت که سیاست‌های خود را در خلیج فارس پیاده کند و در جهت تأمین منافع سیاسی و تجاری خود دست به اقدامی زند؛ برای مثال، حاکمانی همچون میرمهنا، نصیرخان لاری و ملاعلی شاه بیشتر به فکر حفظ استقلال خود در برابر دولت مرکزی ایران بودند و حاضر نمی شدند که مجری برنامه‌ها و سیاست‌های دولت زند شوند (ویلسون، ۱۳۶۶: ۲۰۹).

در هر صورت، در روابط ایران عصر زندیه با ایک ازیک سو و سیاست‌های کمپانی در خلیج فارس ازسوی دیگر، این قرارداد نقطه عطفی به شمار می رود. در ارتباط با انگلیسی‌ها و موقعیت آنها نکته مهم این است که انگلیسی‌ها این قرارداد و مفاد آن را در اوضاعی تنظیم کردند که در حال چرخش و دگرگونی در رویکرد خود بودند. این رویکرد حاکم، همکاری جدی ایک با خان زند را در امور خلیج

فارس را به سوی استعمار انگلستان فراهم کرد.

پی‌نوشت

۱. در اواخر سال ۱۶۰۰ میلادی، کمپانی هند شرقی انگلیس تأسیس شد. این کمپانی تا اواسط قرن ۱۹م/۱۳ق به طور نیمه مستقل به کار خود ادامه داد؛ اما پس از این دوره، به طور رسمی زیر نظر دولت بریتانیا قرار گرفت و تا پایان جنگ جهانی دوم نیز همچنان به کار خود ادامه داد. چون نام لاتین کمپانی هند شرقی انگلیس (England India Company) بود، به اختصار به ایک (E. I. C) معروف شد (رک: گاردنر، ۱۳۸۳). در ضمن نام کمپانی هند شرقی هلند (Verenigede Oostindische Compagnie) بود که به اختصار به واک (V. O. C) معروف شد و از این پس در هر جای این پژوهش نشانه اختصاری (واک) به کار رود، منظور همان کمپانی هند شرقی هلند است.

۲. ویلیام پیت (۱۷۵۹ تا ۱۸۰۶م)، مشهور به پیت جوان که پسر دوم ویلیام پیت پدر، لرد چاتهام بود. جوان ترین و به عقیده بسیاری از صاحب نظران یکی از برجسته ترین نخست وزیران انگلستان در سال های (۱۷۸۴ تا ۱۸۰۰ و ۱۸۰۴ تا ۱۸۰۶) بود. از نخستین اقدامات وی گذراندن اساسنامه جدیدی برای کمپانی هند شرقی (۱۷۸۴م) از تصویب پارلمان بود (ستاندیش، ۱۳۸۳: ۱۷۸).

۳. فرانسه در قرن هفده میلادی/یازده قمری، جایگاه اسپانیا را به خود اختصاص داد و به قدرتمندترین دولت اروپایی تبدیل شد. فرانسه در دهه نخست قرن هفدهم میلادی به مداخله در اسپانیا که به جنگ جانشینی اسپانیا مشهور

بنگال، فرصت مناسب برای شرکت هند شرقی بریتانیا فراهم آمد تا بخشی از منافع و اقدامات خود را متوجه خلیج فارس کند؛ به ویژه آنکه به واسطه تجارت دیرین خلیج فارس و بنگال، حجم درخور توجهی از طلا و نقره به ذخایر شرکت هند شرقی بریتانیا سرازیر می شد که این امر به طور کامل با اهداف اقتصادی دولت متبوع آن مطابقت داشت.

برتری بریتانیا بر فرانسه در هندوستان، در ابعاد سیاسی اقتصادی خلیج فارس تأثیر عمیق بر جای گذاشت و بر موقعیت انگلیسی ها در سراسر منطقه اثر بخشید؛ به گونه ای که از این دوره به بعد، عملکرد و ماهیت سیاسی کمپانی هند شرقی انگلیس در خلیج فارس ملموس تر شد. جابه جایی کانون تجاری از بندرعباس به بوشهر و بصره، کسب امتیازات مصونیت کنسولی از سوی نماینده ایک در بندر بصره و انعقاد قرارداد سعدون پرایس در سال ۱۱۷۷ق/۱۷۶۳م نقطه عطف و سرآغاز سیاسی شدن حضور انگلستان در خلیج فارس قلمداد می شود؛ علاوه بر این در همین برهه، یعنی ۱۷۶۳ تا ۱۷۶۵م/۱۱۷۹ تا ۱۱۷۷ق، اخراج هلندی ها از جزیره خارک از جمله عوامل اساسی بودند که افزایش قدرت انگلستان و کمپانی هند شرقی آن دولت را در منطقه باعث شدند. این دگرگونی در رویکرد انگلیسی ها، نتایج گوناگون و بسیار مهمی را به بار آورد؛ به گونه ای که در دهه های ۱۷۶۰ تا ۱۷۸۰م/۱۱۷۰ تا ۱۱۹۰ق، سیاست ها و رفتارهای ایک در چارچوب این رویکرد، باعث ایجاد دوره ای در تاریخ خلیج فارس شد که از آن با عنوان دوره انتقال به عصر استعمار یاد می شود؛ به گونه ای که در آستانه قرن ۱۹ میلادی/۱۳ قمری در عمل، زمینه های انتقال جوامع پیرامونی خلیج

کتابنامه

الف. کتاب

- . اسدپور، حمید، (۱۳۸۷)، تاریخ اقتصادی و سیاسی خلیج فارس در عصر افشاریه و زندیه، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- . العامر، یقظان سعدون، (۱۹۹۰)، نشاط شرکه الهند الشرقیه الانکلیزیه فی البصره، جامعه البصره: دارالحکمه سلسله تراث البصره.
- . امین، عبدالامیر، (۱۳۷۰)، منافع بریتانیا در خلیج فارس، ترجمه علی رجبی یزدی، تهران: امیرکبیر.
- . برومند، صفورا، (۱۳۸۱)، سرکنسولگری بریتانیا در بوشهر، تهران: وزارت خارجه.
- . پری، جان، (۱۳۶۵)، کریم خان زند، ترجمه علی محمد ساکی، تهران: توس.
- . راین، اسماعیل، (۱۳۵۶)، دریانوردی ایرانیان، ج ۲، تهران: جاویدان.
- . رجائی، غلامعلی، (۱۳۹۰)، کمپانی هند شرقی انگلیس و ایران دوره زند، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه.
- . دولاندولن، ش، (۱۳۶۸)، تاریخ جهانی، ترجمه احمد بهمنش، ج ۲، تهران: دانشگاه تهران.
- . سایکس، سرپرسی، (۱۳۸۱)، تاریخ ایران، ترجمه سیدمحمد فخرداعی گیلانی، ج ۲، تهران: دنیای کتاب.
- . ستاندیش، جان، (۱۳۸۳)، ایران و خلیج فارس، ترجمه عبدالرضا سالار بهزادی، تهران: نی.
- . سدیدالسلطنه (کبابی)، محمدعلی خان، (۱۳۶۳)، بندرعباس و خلیج فارس؛ اعلام الناس فی احوال بندرعباس، تصحیح احمد اقتداری، تهران: بی نا.
- . سیوری، راجر و جی. بی کلی، (۱۳۷۷)، خلیج فارس

است، ورود پیدا کرد؛ اما دیگر دولت‌های اروپایی که از قدرت فرانسه ناراضی و نگران بودند، علیه فرانسه متحد شدند. انگلستان، هلند، سوئد، اتریش و پروس برای درهم شکستن قدرت فرانسه دست به دست هم دادند. سرانجام در سال ۱۷۱۳م/۱۳۶ق، با شکست فرانسه و عقد معاهده اوتریخت (Treaty of Utrecht) جنگ پایان یافت. این پیمان، پایانی بر جاه طلبی‌های لویی چهاردهم و سودای فرانسه برای تسلط بر اروپا بود. فرانسه در این معاهده امتیازات بسیاری از دست داد و انگلستان در مستعمرات و آبراه‌های حیاتی به منافع بسیاری رسید (Black, 1999: 45-48).

۴. سدیدالسلطنه نیز بر این امر تأکید می‌کند و می‌نویسد: «مؤسسات هلندی‌ها در خلیج فارس روش تجارت داشته است؛ اما به طرز نظامی به مناسبت ترقیات و پیشرفت انگلیسی‌ها، به تدریج تجارت و نفوذ آنها معدوم شده است» (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۳: ۶۲۷).

۵. ر. ک، پیوست، سند شماره ۱؛ A Translation of Letter From Sheikh Nasir of Bushire to the Governor of Bombay.

۶. ویلسون در کتاب خلیج فارس مطرح می‌کند که این امتیازات در زمان پادشاهی ضعیف و در دوره اغتشاشات و هرج و مرج‌های داخلی داده شده است (ویلسون، ۱۳۶۶: ۲۰۹ و ۲۱۰). برخی نیز عقد این قرارداد را «واگذاری امتیازات گسترده تجارتي» به کمپانی هند شرقی انگلیس می‌دانند (سیوری، ۱۳۷۷: ۷۵)؛ اما سایکس مغایر با این نظرها، معتقد است که ایران در قرارداد مذکور در «شرایط مساعدی» قرار داشت (سایکس، ۱۳۸۱: ۴۰۴/۲).

ترجمه جلال رضائی‌راد، تهران: گفتار.

ب. اسناد لاتین

- . Bombay public or General Department Diaries , 1720 - 1800.
- . Resident Records Persian Gulf ,Bushehr (Bushehr Diaries), 1763- 1811, Incoming and Outgoing Correspondence Between Bushehr and other East India Company Settlements.

ج. کتاب لاتین

- . Avery, Peter, (Editor), (1991), The Cambridge history of Iran.vol 7. first published. Cambridge. University Press.
- . Black, Jeremy, (1999), Britain As A Military Power, 1688-1815. London: RoutledgePress.
- . Fryer, John, (1912), A New Account of East India and Persia,being nine years, travels,1672-1681. London. Edited by William Crooke.Vol. 2. London.
- . Kelly, j.b, (1968), Britain And The Persian Gulf 1795-1880. Oxford. Clarendon. Press.
- . Lorimer, John, Gordon, (1908-1915), Gazetteer of the Persian Gulf, Oman and central Arabia, (2 vols), Calcutta: superintendent of Government Printing.
- . Marston, Daniel, (2001), The Seven Years' War.Essential Histories.Osprey Publishing.
- . Redman, Herbert J, (2014), Frederick the Great and the Seven Years' War, 1756- 1763.McFarland Press.
- . Saldanha, J.A, (1986), The Persian Gulf Precis. Persian Gulf Precis, Vol, 1.

- از دوران باستان تا اواخر قرن هجدهم میلادی، ترجمه حسن زنگنه، قم: مرکز بوشهرشناسی.
- . فقیه، خورشید، (۱۳۸۳)، زوال دولت هلند در خلیج فارس با ظهور میرمهنای بندرریگی، بوشهر: شروع.
- . فلور، ویلم، (۱۳۷۱)، اختلاف تجاری ایران و هلند در عصر افشاریان و زندیان، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- . -----، (۱۳۶۸)، حکومت نادرشاه، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- . -----، (۱۳۷۱)، هلندیان در جزیره خارک، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- . کسروی، احمد، (۱۳۶۲)، تاریخ پانصدساله خوزستان، بی‌جا: خواجه.
- . گاردنر، براین، (۱۳۸۳)، کمپانی هند شرقی، ترجمه کامل حلمی و منوچهر هدایتی خوش‌کلام، تهران: پژوه.
- . گرمون، استفان رای، (۱۳۷۸)، چالش برای ثروت و قدرت در جنوب ایران، ترجمه حسن زنگنه، قم: همسایه.
- . ماله، آلبر، ایزاک، ژول، (۱۳۶۷)، تاریخ قرن هجدهم و انقلاب کبیر فرانسه و امپراتوری ناپلئون، ترجمه رشید یاسمی. تهران: دنیای کتاب و علم.
- . موسوی‌نامی اصفهانی، میرزاصادق، (۱۳۶۳)، تاریخ گیتی‌گشا، به کوشش سعید نفیسی، تهران: چاپخانه اقبال.
- . نهر، جواهرلعل، (۱۳۶۶)، نگاهی به تاریخ جهان، ترجمه محمود تفضلی، ج ۱ و ۲، تهران: امیرکبیر.
- . ویلسون، سرآرنولد، (۱۳۶۶)، خلیج فارس، ترجمه محمد سعیدی، تهران: علمی فرهنگی.
- . ویلسون، هارولد، (۱۳۶۶)، نخست‌وزیران انگلیس،

سند شماره ۱- نامه شیخ نصرخان بوشهری به فرماندار بمبئی (دعوت از کمپانی برای تأسیس تجارتخانه در بوشهر، فوریه ۱۷۶۲م)

Public Department Diary No. 38 of 1762.

Bombay Castle, 2nd February 1762.

Translation of a letter from Sheikh Nasir of Bushire to the Governor of Bombay.

With the sincerest wishes for your Friendship I declare that the principal Motive to my writing this letter is to enquire after Your Honour's health, and as I have always heard of Your Honour's good conduct, I have entertained a regard for you in my brest, for which reason I have made the first advances and beseech Your Friendship, some time ago I wrote a letter to Your Honour to which I never received any answer though I always expected and so still except one acquainting you that as our Friendship was sure and lasting it would be proper to appoint the residence of the Agent for the English Company to be at Bushire; I only desire to manifest my regard for the Company's people: Now that Mr Douglas, Agent for the English Company, has been, in his return from Bussorah at Bushire, when we met and consulted together I have agreed sincerely, without dispute and with my free consent with the said Gentleman that the Company's Factory be established at this place, as it was formerly the goods of the English Company and those of their servants shall be exempt from paying Customs, every Branch of Trade shall be carried on as formerly. My wishes are for nothing else than the strengthening our Friendship, and acquaintance or for the Company's profit, because all their goods are proper for this country. At present all the roads of Persia are by Bushire, merchants come from both coasts, to trade at this Port, yet on account of their having no merchandize they go to other places and return to their own countries through this port. Had the Company a Factory here, they would enjoy all the trade and dispose of all their goods, for thank God to the Port of Bushire is in entire security, quiet and flourishing, and the roads for the Caravans are quite free from molestation. At present I have only thought proper to put your Honour in mind of me and invite you by the blessings of God on the receipt of this letter, to accept my offers of service, and that you will please to appoint one of the Company's Agents to reside at this place, to carry on their Trade, with assurances that He may sell to whom he will and buy from whom he will, you may also be certain that the affairs shall be carried on as you judge best for the Company's advantage. The desire of this Friend is that your Honour will by letters of encouragement and by your services remember me, also that this Business may with the Blessing of God be put in execution thro whom I wish you all Honour and Riches. dated the 11th Reby of Sany 1175.